
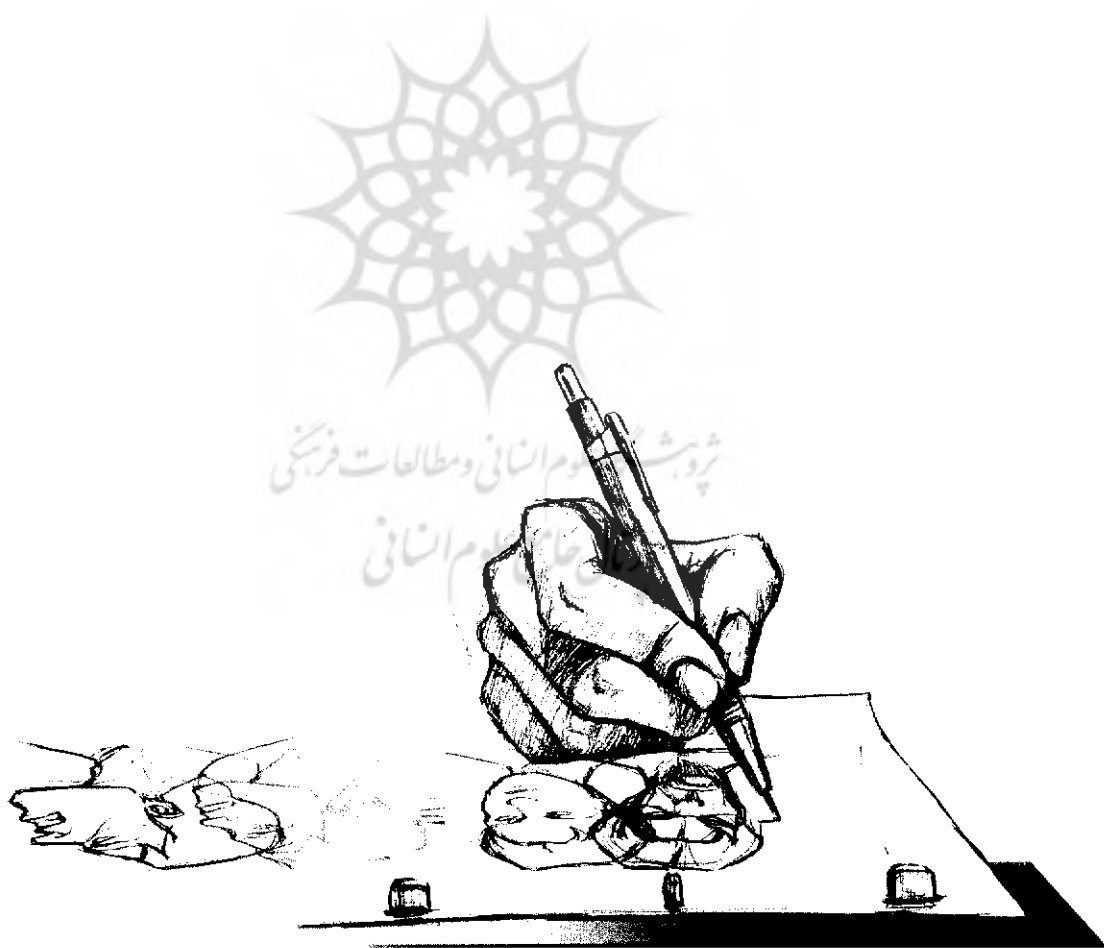


طنز در فیلم‌ها و انیمیشن‌های ایرانی

بهرام عظیمی 



چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن، مگر الگوی بسیاری از فیلم‌سازان ما نشده، شخصیت‌هایی مثل «چارلی چاپلین»، «باستر کیتون»، «لورل و هاردی»، «نورمن ویزدام»، «برادران مارکس»، «باب هوب»، «جری لوییس» و ده‌ها کم‌دین دیگر مگر از طنز ایرانی استفاده کردند که سالیان دراز ما را می‌خندانند؟

در مورد فرق انیمیشن‌های ایرانی با دیگر کشورهای صاحب انیمیشن نیز اوضاع این گونه و چه بسا بدتر از این است. یک بی‌نمکی خاصی در اکثر انیمیشن‌های ایرانی دیده می‌شود. خیلی‌ها فکر می‌کنند که با نمک بودن یک فیلم انیمیشن بر می‌گردد به فیلم‌نامه و یا دیالوگ‌های خنده‌دار، در صورتی که در یک فیلم انیمیشن (بلند، کوتاه و یا تبلیغاتی)، فضا‌سازی، چهره شخصیت‌ها، حرکات و اداهای آن‌ها، ریتم، رنگ‌آمیزی و خیلی نکات ریز دیگر باعث می‌شود تا آن انیمیشن موفق و یا بهتر بگویم جذاب و با نمک باشد.

داستان اسباب بازی او۱، شرک او۲، والاس و گرومیت، در جستجوی نمو، شیرشاه، باور نکردنی‌ها، کمپانی هیولاها و ... از جمله فیلم‌های انیمیشن بودند که در چند سال اخیر هر کدام علاوه بر کسب جوایز بسیار، جزو پر فروش‌ترین فیلم‌های تاریخ سینما بودند. این فیلم‌ها توانستند مردم جهان را با انواع و اقسام سلیقه‌ها بخندانند. در این میان، باید ده‌ها فیلم کوتاه و تبلیغاتی انیمیشن را نیز لحاظ کرد.

چند سال پیش با دوستان پشت صحنه یکی از این انیمیشن‌ها (**داستان اسباب بازی ۱**) را می‌دیدیم، کارگردان در حال توضیح یکی از

بارها از زبان این و آن شنیده‌ایم که خندانان ایرانی‌ها بسیار سخت است و یا خیلی‌ها گفته‌اند ایرانی‌ها از بانمک‌ترین مردم دنیایند، یا این که لطیفه‌های خارجی خیلی بی‌نمک و یخ ولی جوک‌ها و لطیفه‌های ایرانی خیلی بانمک است. آیا تا به حال شده برای یک خارجی یک لطیفه ایرانی را تعریف کنید؟ آیا تا به حال یک فیلم ایرانی خنده‌دار توانسته بازاری در میان فیلم‌های خارجی پیدا کند؟ آیا در میان فیلم‌های کم‌دین مطرح صد سال سینما، سینمای کم‌دین ایران جایی داشته است؟

احساس می‌کنم همیشه با بیان این گونه مسایل، آگاهانه و ناآگاهانه، بر ضعف‌های خود سرپوش گذاشته‌ایم. فیلم‌های مستر بین و یا بن هیل که کل دنیا را می‌خندانند محصول چه کشوری است؟ این همه فیلم‌های کم‌دین ایتالیایی

گذشته ساخته‌ام به صورت انفرادی بوده است، ولی کارهایی از من مورد توجه قرار گرفت که به صورت گروهی ساخته شده بود؛ هر چند که افراد گروه ما هیچگاه از ۳ نفر تجاوز نکرد.

داشتن تجربه‌های مختلف زندگی برای عوامل ساخت یک فیلم انیمیشن، به خصوص برای فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان، بسیار مهم است. این که شما به عنوان یک فیلم‌ساز، همیشه میان اقشار مختلف جامعه حضور داشته باشید و با آن‌ها زندگی کنید، در ساخت فیلم‌تان کمک بزرگی به شما خواهد کرد. شما در هر نوعی بخواهید فیلم بسازید، باید روی مردم شناخت کافی داشته باشید.

خیلی‌ها به آدم می‌رسند و می‌گویند بگذار یک جوک جدید برات بگم. جوک را می‌گویند و نیم ساعت می‌خندند و وقتی با چهره سرد شما روبه‌رو می‌شوند، می‌پرسند: «بی‌نمک بود؟ قدیمی بود؟!» خیلی از فیلم‌ها و انیمیشن‌های جدید ما مثل بعضی جوک‌ها هم بی‌نمک‌اند و هم قدیمی.

بانمک بودن برای یک فیلم‌ساز کم‌دی بزرگ‌ترین نعمت است. همان‌گونه که در یک فیلم زنده کم‌دی، به جز فیلم‌نامه و کارگردانی خوب، حس بازیگران به هنگام نقش‌آفرینی نیز نقش بزرگی در موفقیت فیلم بازی می‌کند، در یک فیلم انیمیشن هم، چهره و بازی شخصیت‌ها ساختار اصلی فیلم را تشکیل می‌دهد. یک شخصیت انیمیشن وجود خارجی ندارد، تلفنی ندارد که به او زنگ بزنی و بگویی آقا یک فیلم کم‌دی توپ دارم می‌سازم، فردا بیا دفترم راجع به آن صحبت کنیم!

صحنه‌های کوتاه فیلم به عوامل بود (نمایی که حدود ۵ ثانیه زمان داشت). کارگردان چند بار، دیالوگی را که قرار بود در آن ۵ ثانیه توسط شخصیت گفته شود، با حالت‌های مختلف برای آن‌ها بیان کرد. چند تن از عوامل نکاتی در رابطه با آن دیالوگ به نظرشان رسید و حدود ۱۰ دقیقه با هم بحث و گفت‌وگو کردند، در نهایت به یک نتیجه واحد رسیدند و یک دیالوگ خاص و بانمک برای آن ۵ ثانیه نوشته شد.

در ایران، برای ساخت یک انیمیشن فرضاً ۵ دقیقه‌ای یک نفر هم فیلم‌نامه می‌نویسد، هم کارگردانی می‌کند، هم شخصیت‌ها را طراحی و دکوپاژ می‌کند و هم بعد از جانبخشی شخصیت‌ها و نورپردازی، تدوین می‌کند. بعد خود او یک موسیقی انتخابی روی کارش می‌گذارد و فردایش کار از تلویزیون پخش می‌شود، یا در یک جشنواره داخلی به نمایش در می‌آید. این در حالی است که توقع دارد کارش مورد استقبال مردم هم قرار گیرد. بزرگ‌ترین مشکلی که باعث می‌شود کارهای ما ایرانی‌ها، به خصوص در زمینه انیمیشن، مورد توجه واقع نشود و جذابیت نداشته باشد، انفرادی کار کردن ماست. ماها دوست داریم به تنهایی همه کارها را انجام دهیم چون با این روش هم می‌توانیم درآمد بیشتری داشته باشیم و هم این که اگر کارمان مورد توجه واقع شد، تمام افتخارات را به تنهایی کسب کنیم.

مطمئن هستم اشخاصی که این مطلب را می‌خوانند و مرا می‌شناسند می‌گویند: «بابا، تو خودت که از همه بدتری!» درست است که شاید نیمی از انیمیشن‌هایی را که من در ۱۲ سال

طراح و فیلم‌ساز انیمیشن باید مدت‌ها وقت بگذارد و کاغذهای متعددی را خط‌خطی کند تا بتواند یک شخصیت جذاب باندام و حرکتی خاص خلق کند و بعد در نهایت یک فیلم انیمیشن بسازد، که یک شخصیت خیلی بانمک و باورپذیر داشته باشد. اما اگر آن شخصیت به جای این که موقع گفتن دیالوگ‌هایش حرکت کند و دست و بالش را تکان دهد و میمیک به چهره‌اش بگیرد، یکجا ساکن باشد و تنها لبش تکان بخورد یا حتی هر از چند ثانیه‌ای فقط پلک بزند (مشخصه اکثر انیمیشن‌های ایرانی) کار به درد بخوری حاصل نمی‌شود. برخی از فیلم‌سازان عزیزمان به این دقت نمی‌کنند که یک شخصیت انیمیشن خوب و خوش‌قیافه و بانمک باید خوب هم جانبخشی شود و موقع گفتن حرف‌هایش حس و حال خوبی داشته باشد. هم‌چنین باید نورپردازی و یا رنگ‌آمیزی کار خوب باشد و منطق روشنی بر حرکت دوربین حاکم باشد. آن وقت است که انیمیشن‌هایمان در بازار داخلی و خارجی حرفی برای گفتن خواهند داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی